

کانون وکلا؛ درگذر زمان

(خاطرات نیم قرن وکالت)

www.ketab.ir

سید محمد جندقی کرمانی پور



کتاب سده



کتاب سده

کانون وکلا در گذر زمان (خاطرات نیم قرن وکالت)

نویسنده: سید محمد جندقی کرمانی پور

ویراستار: هومن لازمی

مدیر هنری: نغمه محمد مقدم

چاپ اول: ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۵ هزار تومان

آماده سازی و تولید: آتلیه سده

صفحه آرا: کیمیا ادریسی، محمدرضا ساختمانگر

ناظر فنی چاپ: فرهاد جاوید

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ قشقایی

تمامی حقوق محفوظ است. هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان قرار دارد.

ISBN: 978-600-8968-57-3

کتاب سده ۱

تلفن: ۰۹۱۲۲۴۷۲۸۳۸ - ۶۶۸۶۲۱۴۳

جندقی کرمانی، سید محمد
کانون وکلا در گذر زمان / سید محمد جندقی کرمانی پور.

تهران: کتاب سده، ۱۴۰۰.

۴۵۸ ص.

۹۷۸-۶۰۰-۸۹۶۸-۵۷-۳

فیا

جندقی کرمانی، سید محمد — خاطرات

وکلاي دادگستري — ايران — خاطرات

Lawyers — Iran — Diaries

KMH110

۳۴۰/۰۹۲۵۵

۷۶۷۱۵۶۲

فیا

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهري

شابک

وضعيت فهرست نویسی

موضوع

موضوع

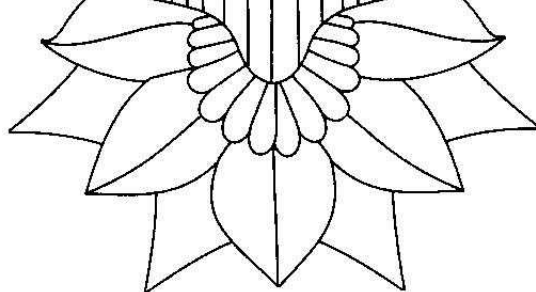
موضوع

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

اطلاعات رکورد کتابشناسی



فهرست

- ۱۱ باجه ویراستار
- ۱۳ شگفتار
- ۲۳ **سال یکم** | دوره نوزدهم هیأت مدیره
- ۲۷ **سال دوم** | دوره بیستم هیأت مدیره
- ۳۰ چرا انتخابات هیأت مدیره به تأخیر افتاد
- ۴۹ نخستین جشن استقلال پس از پیروزی انقلاب اسلامی
- ۵۱ کانون وکلای دادگستری چگونه صاحب خانه شد
- ۵۶ نامه های دوره بیستم
- ۶۷ بخشی از اقدامات دوره بیستم هیأت مدیره
- ۷۱ **سال سوم** | دوره بیست و یکم هیأت مدیره
- ۸۲ حواشی پس از برگزاری انتخابات
- ۸۴ جشن چهل و نهمین سال استقلال کانون وکلای دادگستری
- ۸۷ انتخابات سال دوم هیأت رئیسه دوره بیست و یکم

۸۸	بخشی از اقدامات دوره بیست و یکم هیأت مدیره
۹۴	افتتاح رسمی ساختمان کانون در خیابان زاگرس
۹۷	جشن پنجاهمین سال استقلال کانون وکلای دادگستری
۱۰۱	ارتباط با IBA و همایش آمستردام
۱۱۱	نامه‌های دوره بیست و یکم
۱۲۷	دیدار قضات آلمانی از کانون وکلای دادگستری مرکز
۱۳۱	فصل چهارم دوره بیست و دوم هیأت مدیره
۱۴۱	فصل پنجم دوره بیست و سوم هیأت مدیره
۱۴۹	بخشی از اقدامات دوره بیست و سوم هیأت مدیره
۱۵۳	دیدار وزیر دادگستری از کانون وکلای دادگستری مرکز
۱۵۶	تعامل با قوه قضاییه
۱۶۱	ارتباطات بین‌المللی
۱۷۵	جشن پنجاه و سومین سال استقلال کانون وکلای دادگستری
۱۷۹	انتخابات سال دوم هیأت رئیسه دوره بیست و سوم
۲۰۳	جشن پنجاه و چهارمین سال استقلال کانون وکلای دادگستری
۲۰۷	فصل ششم پنجمین همایش اتحادیه
۲۱۳	فصل هفتم دوره بیست و چهارم هیأت مدیره
۲۳۴	انتخابات سال دوم هیأت رئیسه دوره بیست و چهارم
۲۴۵	فصل هشتم چگونگی بنیان‌گذاری اسکودا
۲۵۵	همایش اسکودا در ارومیه
۲۶۰	انتخابات هیأت رئیسه اسکودا در همایش گلستان

پیشگفتار

در این دفتر، خاطرات چهارده سال عضویت اصلی هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز را، که در ده سال اول آن ریاست هیأت‌مدیره را به عهده داشته‌ام، نوشته‌ام.

خوش است عمر دروغا که جاودانی نیست پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست^۱

بنده نویسنده نیستم و ادعایی هم در این زمینه ندارم لذا بخش‌هایی از آنچه در این دفتر آمده، تا آنجا که به یادم مانده، مربوط به نامهربانی‌هایی است که برخی از همکاران به صورت شب‌نامه یا گفتارهایی، چه کتبی و چه شفاهی، چه با نام مستعار یا بی‌نام و گاه به صورت جعل شده از طرف سازمان‌ها و نهادها علیه این جانب انتشار داده و یا برایم ارسال کرده‌اند. بنده به هیچ‌روی قصد ناسزاگفتن و یا بی‌ادبی به هیچ فرد یا افرادی را نداشته‌ام و ندارم، آنچه در این نوشتار آمده واقعیت‌هایی است که برایم اتفاق افتاده است و دست همکارانم را در آن دیده‌ام و از نخستین انتخابات دوره بیستم هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از هجده سال فترت، کم‌وبیش ادامه داشته است.

بخش اعظم این کتاب درباره وقایع و اقداماتی است که در طول ده سال مسئولیت به‌عنوان رئیس هیأت‌مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و چهار سال عضویت اصلی هیأت‌مدیره و دو سال ریاست اسکو دارخ داده و بعضی از آن گزارش خدماتی است که، به‌زعم بنده، انجام شده است. حقیر هیچ‌گاه ادعا نکرده‌ام و نمی‌کنم که «بهترین دوره یا

دوره‌ها زمانی بود که مدیریت هیأت‌مدیره را به عهده داشتیم و این یا آن دوره در درازای تاریخ وکالت بی‌سابقه، فوق‌العاده، بی‌نظیر یا کم‌نظیر بوده است». من فقط کوشیده‌ام که وظیفه‌ام را تا آنجا که در توانم بوده به‌درستی و بر پایه قانون انجام دهم و در پاسداری از استقلال کانون وکلای دادگستری و وکیل کوشا باشم. قضاوت آن را به جامعه وکلای دادگستری واگذار می‌کنم. صائب تبریزی نیکو سروده است:

چو از من و تو به گیتی فسانه خواهد ماند بکوش تا که به نیکی بماند افسانه

برای اطلاع وکلای جوان و کارآموزان وکالت ناگزیر است کمی به عقب بازگردم و جریان تأسیس کانون وکلای دادگستری و زحماتی که پیش‌کسوتان جامعه وکالت کشیدند تا کانون جایگاه واقعی خود را به دست آورد یادآور شوم:

زمانی که هنوز کانون وکلای دادگستری تشکیل نشده و وکلای دادگستری فاقد تشکیلات بودند مرحوم داود پیرنیا، قریب به اشد مرحوم میرزا حسن خان مشیرالدوله^۱، سال‌ها ریاست اداره احصایه عدلیه را به عهده داشت. ایشان شخصاً علاقه خاصی به حفظ حیثیت وکلا نشان می‌داد و جریان امور وکالت را با وضعی مرغوب و مطلوب اداره می‌کرد. فکر

۱. شخصیت بارز میرزا حسن خان مشیرالدوله (پیرنیا)، فرزند میرزا نصرالله خان، را باید در قانون‌دانی و قانون‌شناسی او جویند، او سر پیشرفت ایران را در اصلاح دادگستری می‌دانست. تحصیلاتش در حقوق بود. روزی که به ایران آمد مدرسه علوم سیاسی را به همین جهت بی‌افکند. او شیفته عدالت بود. مشیرالدوله از او ان کار خود متوجه نقص دستگاه قضایی ایران شده بود و همه جا مطالعات خود را برای بهبود این وضع ادامه می‌داد.

مشیرالدوله روزی به وزارت دادگستری ایران رسید که تازه حدود بیست سال از پیدایش نام عدلیه در دستگاه دولتی می‌گذشت. آن هم عدلیه‌ای که خود می‌بایست به حضور شاهزادگان برود نه آنکه آنان به پیشگاهش روی نهند. توضیح آن این است که در ماه صفر ۱۲۹۹ قمری از دیوان‌خانه عدلیه احضاریه‌ای برای یکی از شاهزادگان درجه اول صادر شد که فوری به عدلیه بیاید و جواب شاکیان را بدهد. او در زیر احضاریه نوشت: «من به عدلیه نمی‌آیم. عدلیه اگر کاری دارد، پیش من بیاید!»

در سال ۱۳۲۸ در کابینه سه‌ساله مرحوم مشیرالدوله وزیر عدلیه شد و از مجلس و رئیس دولت اجازه خواست که تا شش ماه در منزل بنشیند و قوانین و تشکیلات و اصول محاکمات را تدوین کند. مجلس و دولت موافقت کردند. او به به خانه رفت و بعد از چند ماه قانون تشکیلات و قانون اصول محاکمات را نوشت و تقدیم مجلس کرد. قانون تشکیلات از تصویب مجلس گذشت ولی قانون اصول محاکمات با مخالفت شدید علمای طراز اول مواجه شد که پس از مذاکره با علماء، موافقت گردید هشت ماده پیشنهادی علماء در ابتدای قانون نوشته شود و پس از آن قانون در کمیسیون عدلیه تصویب شد و سپس به‌صورت چهار دیواری از مجلس گذشت. این قانون در سال ۱۳۲۹ تصویب شد. مشیرالدوله در زمان داور، که به فکر اصلاح عدلیه پرداخت، از داور حمایت بی‌دریغ می‌کرد و نیت او را در تحول دادگستری تأیید می‌نمود. اغلب داور در امور دادگستری با مرحوم مشیرالدوله مشورت داشت و این مشورت چه با ملاقات شخصی و چه به‌وسیله آقای داود پیرنیا، فرزند مشیرالدوله، که آن روز در خدمت دادگستری بود صورت می‌گرفت.

در موقع انحلال عدلیه (بهمن ۱۳۰۵) داور کمیسیونی برای اصلاح قوانین عدلیه ترتیب داد. اعضای کمیسیون عبارت بودند از مرحوم مشیرالدوله، مرحوم منصور السلطنه عدل، میرزا احمدخان شریعت‌زاده، آقای دکتر محمد مصدق و آقای صدرالاشراف. مشیرالدوله رئیس کمیسیون بود. (نقل از مقدمه تاریخ ایران باستان، جلد اول، به قلم روان‌شاد باستانی پاریزی)

تأسیس کانون وکلای دادگستری را به او نسبت می دهند. وضعیت شغلی و اداری وکلا بر اساس قانون اصول تشکیلات و مقررات وزارت عدلیه به همین منوال بر قرار بود تا در تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۰۹ مرحوم داود پیرنیا عده‌ای از وکلای دادگستری را به منزل خود دعوت کرد. پس از جمع شدن گروهی از وکلای دادگستری، مرحوم پیرنیا با ذکر مقدماتی که در منصب مقصود بود اظهار کرد: آقای وزیر عدلیه (مرحوم داور^۱) مصلحت می داند کانون وکلا تشکیل شود و دعوت آقایان برای این منظور است.

این بهترین نویدی بود که موجب مسرت حاضرین شد و آن را تحسین کردند. کانون وکلا در محل سابق اداره راه آهن واقع در حیاط محکمه استیناف بود. اداره احصاییه هم در همین ساختمان بود. (این حیاط به نام حیاط حکیم الملکی در متتالیه ضلع شرقی خیابان باب همایون و ضلع جنوبی خیابان معروف به خیابان درب اندرون و مقابل ساختمان وزارت دارایی واقع بود.) علامت کانون وکلا شکلی به طرز بیضی بود که اطراف آن شاخه سرو و در وسط یک ترازو و با کفه‌های مساوی (علامت عدل) و یک کتاب (قانون) و بالای آن شیر و خورشید است. از سه هفته قبل به وسیله متحدالمال از آقایان وکلای مدافع دعوت به عمل آمد که برای سه شنبه ۱۳۰۹/۸/۲۰ در محل مزبور حضور به هم رسانند. رئیس اداره احصاییه قضایی از آقای وزیر عدلیه تقاضا کرد روز مزبور برای افتتاح رسمی کانون وکلا تشریف فرما شوند. در روز و ساعت مقرر آقای داور، وزیر عدلیه، حضور یافتند و پشت میز خطابه قرار گرفتند اظهار کردند: «خیلی خوشوقتم... که کانون وکلای عدلیه رسماً افتتاح می شود و منظور اصلی از تأسیس آن، تربیت وکیل خوب است. جای تردید نیست که جریان محاکمات تنها نباید از روی دوسیه باشد و قاضی تنها روی دوسیه حکم نمی دهد بلکه عامل مؤثری در این مورد وجود دارد که آن موضوع وکلای مدافع است که نباید بگذارد قاضی در محاکمات و قضاوت خود از قانون منحرف شود. این است که در تمام دنیا مطمئناً کسانی که در کارهای قضایی وارد هستند می دانند که بدون اینکه وکیل خوب تهیه شود عدلیه خوب محال است.^۲» بعد از تشیل کانون وکلا و افتتاح آن به وسیله مرحوم داور، وکلا فاقد استقلال بودند و امور وکالت زیر نظر اداره احصاییه قضایی دادگستری بود و متقاضیان پروانه وکالت باید از

۱. داور: داور، معروف به میرزا علی اکبر خان مدعی العموم، تحصیلات خود را ابتدا در تهران و بعد در سویس، که مدت ها در آنجا مقیم بود، به پایان رساند. در سال ۱۳۰۰ شمسی به تهران آمد و از آن به بعد ترقیات سریع نمود و در کابینه های مختلف متناوباً به وزارت فواید عامه و وزارت عدلیه و وزارت مالیه منصوب شد و متدرجاً در نتیجه هوش و ذکاوت و فعالیت خود، یکی از مشاهیر رجال دولت رضاشاه گردید. در سنین اواخر عمر خود با مرحوم تیمورتاش، وزیر دربار، دو رکن عمده بسیار با نفوذ دولت را تشکیل می دادند. داور در شب چهارشنبه، ۲۱ بهمن سال ۱۳۱۵ شمسی، انتحار نمود و در صفاییه در حوالی تهران مدفون شد. سن او در حدود پنجاه سال بود (نقل از لغتنامه دهخدا).

۲. مجله کانون وکلا شماره ۳۳ کانون.

اداره احصاییه مجوز وکالت دریافت می کردند. هر روز بخش نامه ای در محدود کردن وکلای دادگستری و امر و نهی بر آنان صادر می شد. گرچه مرحوم داود پیرنیا، فرزند مرحوم حسن خان مشیرالدوله، شخصاً نهایت احترام و همراهی را درباره وکلای دادگستری اعمال می کرد. روان شاد سیدهاشم وکیل، رئیس کانون وکلا، در اولین سال جشن استقلال کانون که در تاریخ هشتم اسفندماه ۱۳۳۱ برگزار شد، ضمن گزارشی از چگونگی تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری به وسیله مرحوم دکتر محمد مصدق و مرارت هایی که وکلا کشیدند اشاره و بیان کرد:

«رئیس وقت کانون بین المللی وکلای دادگستری، آقای ژرژ موریس، برای آشنایی با وکلا به تهران آمد. در این ملاقات ها از وضع وکلا و اداره امور ایشان در ایران تحقیق می شد و پاسخ صریحی داده نمی شد تا در نتیجه کنجکاوی از وضع ما مطلع شدند و اظهار داشته بودند معلوم می شود شما رشید نیستید و عدم رشد وکلا را دلیل عدم رشد موکلین هم می دانستند. اساساً استقلال قوه قضاییه را بدون آزادی و استقلال وکلا و اداره امور ایشان بی حاصل می دانستند چنان که در اصل ۱۱ و ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر که در مقدمه منشور ملل متحد مورد تأیید واقع و به تصویب مجلس شورای ملی رسیده به الزام استقلال و بی طرفی دادگاه و تضمینات لازمه برای دفاع تعرض شده قضاوت عادلانه را مستلزم دفاع از طرف وکیل آزاد و مستقل دانسته است.»^۱

این موضوع موجب شد وکلای دادگستری تحریک شوند و استقلال خود را پیگیری کنند. اقدامات آنان نتیجه داد و لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری در هفتم اسفندماه ۱۳۳۱ به تصویب مرحوم دکتر مصدق رسید و بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تشکیل مجلسین شورای ملی و سنا، در پنجم اسفندماه ۱۳۳۳، با تغییرات جزئی، به تصویب کمیسیون مشترک مجلسین رسید.

بعد از تصویب لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، طبق ماده ۲۲ که تأکید شده بود «کانون وکلا با رعایت مقررات این قانون آیین نامه های مربوط به امور کانون از قبیل: انتخابات کانون و طرز رسیدگی به تخلفات و نوع تخلفات و مجازات آن ها و ترفیعات و تارآموزی و پروانه وکالت را در مدت دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تنظیم می نماید و پس از تصویب وزیر دادگستری به موقع اجرا گذاشته می شود» در واقع تدوین آیین نامه و

اداره تمام امور به خود کانون محول شد و بر اساس مقررات مندرج در لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، در سال ۱۳۳۴ برای طرح آیین نامه هیأت پنج نفره ای مرکب از آقایان سیدهاشم وکیل، دکتر محمد شاهکار، محمود سرشار، قوام الدین مجیدی و صادق سرمد انتخاب شدند. منتخبین، که جملگی از برجستگان جامعه وکالت بودند و همه به دیار باقی شتافته اند، با دقت تمام آیین نامه را تنظیم کردند. آیین نامه در سال ۱۳۳۴ تصویب و اجرایی شد و بر اساس آن هر دو سال یک بار انتخابات هیأت مدیره انجام و کانون به وسیله هیأت مدیره اداره گردید. و این روند تا دو سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ ادامه داشت. به موضوع کتاب باز می گردم. جهت آگاهی همکاران گرامی مختصری از آنچه برخی از همکاران به صورت شب نامه یا گفتارهایی، چه کتبی و چه شفاهی، چه با نام مستعار یا بی نام و گاه به صورت جعل شده از طرف سازمان ها و نهادها علیه این جانب انتشار داده و یا برایم ارسال کرده اند مطالبی را عرض خواهم کرد.

قصدم این نیست که خوانندگان گرامی را ناراحت کنم. فقط می خواهم آگاه شوید که کار اجرایی چه گرفتاری هایی دارد. اگر مدیری یا مسئولی راه درست را انتخاب کند و وظایف خود را طبق قانون انجام دهد و سعی کند در رفتار با همکاران اعم از وکلای دادگستری، کارآموزان وکالت و کارکنان کانون و به طور کلی افرادی که به کانون مراجعه می کنند. قبل از هر چیز همه را انسان هایی شریف بداند. چون انسان با آنان رفتار کند، نباید از چنین سخنان یاوه ای که گفته یا نوشته می شود هراسی به خود راه دهد و از انجام وظایفی که به عهده اش گذاشته شده است دل سرد شود. بلکه به عکس باید راهی را که انتخاب کرده است ادامه دهد و قضاوت آن را به جامعه وکالت و افکار عمومی واگذارد.

مواردی را که در زیر ملاحظه خواهید فرمود از اولین انتخابات دوره بیستم هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از هجده سال فترت، شروع شده و کم و بیش ادامه داشته است. بخش اعظم آن در ارتباط با وقایع و اقداماتی است که در طول ده سال مسئولیت به عنوان رئیس هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز بروز و ظهور کرده است و بعضی از آن شرح خدماتی است، که به زعم بنده، انجام شده است و هیچ گاه ادعا نکرده ام و نمی کنم که «بهترین دوره ها زمانی بوده که مدیریت هیأت مدیره را به عهده داشته ام» نمی تواند قابل مقایسه با آنچه پیش کسوتان ما انجام داده اند باشد زیرا اقدامات درخشان و کم نظیر آنان بود که در تاریخ وکالت جاودانه شد و قابل تحسین است. فقط تلاش کرده ام که وظیفه ام را تا آنجا که در توانم بود به درستی و بر اساس قانون انجام دهم و در حفظ استقلال کانون تلاش کنم. قضاوت آن را نیز به جامعه وکلای دادگستری

واگذار می‌کنم. هیچ‌گاه خود را رسانه‌ای نکردم و آنچه را انجام دادم در گزارش‌هایی که در جشن‌های استقلال کانون بیان شده است به اطلاع جامعه وکالت رساندم و در این خاطرات نیز آورده‌ام. اگر زمانی خبرنگار روزنامه‌ای در صفحه اول روزنامه استعفای فردی، که عضو یکی از کمیسیون‌های کانون بود، با چاپ عکس رنگی درج، و با قلم درشت اعلام کرد که «فلان استعفا داد» و انتخاب مرا به ریاست هیأت‌مدیره دوره بیست‌وششم، در انتهای ستون یکی از صفحات میانی خود زیر عنوان «مهم نیست» با خط ریز نوشت «انتخاب مجدد جندقی به‌عنوان رئیس کانون وکلا»، برایم بی‌تفاوت بود و بدان اهمیتی ندادم، زیرا نه چیزی از مقام و منزلت ریاست کانون کم و نه چیزی بر منزلت روزنامه می‌افزود. سعدی نیکو سروده است:

سنگ بد گوهر اگر کاسه زرین شکند قیمت سنگ نیفزاید و زر کم نشود

به‌هر حال، اعتماد هیأت‌مدیره و جامعه وکالت برایم مهم بود نه اینکه نام و تصویرم در روزنامه‌ای درج بشود یا نشود، صفحه اول باشد یا صفحات میانی، با خط ریز باشد یا خط درشت. افتخارم این بود که با اقبال وکلای دادگستری روبه‌رو شدم و برای پنجمین دوره، با رأی بالای وکلای محترم دادگستری، به ریاست هیأت‌مدیره انتخاب شدم و این نشان‌دهنده رضایت هیأت‌مدیره و جامعه وکالت از اقداماتم در چهار دوره قبل بود که بعد از مرحوم سیدهاشم وکیل سابقه نداشت.

و جای بسی تعجب است که در همایش اتحادیه در شهر باستانی یزد، که در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۸ برگزار شد، دوست گرامی‌ام جناب آقای انوری‌زاده، رئیس اسبق کانون وکلای دادگستری اصفهان و نایب‌رئیس اتحادیه، بدون اینکه شناخت کاملی از پیش‌کسوتان جامعه وکالت داشته باشند، آدرس غلطی به شرکت‌کنندگان دادند و بیان کردند «عالی جناب کشاورز، یک‌تنه ارزش‌های ازدست‌رفته وکالت را زنده کرد، تکامل داد از مرحوم داور، سیدهاشم وکیل و محمود سرشار گذشت و در تاریخ وکالت ایران جاودانه شد و همه می‌دانیم» دوره بیست‌ودوم هیأت‌مدیره کانون مرکز یکی از پُرشکوه‌ترین دوره‌های کانون وکلای دادگستری مرکز است! بنده منکر خدمات روان‌شاد کشاورز و همچنین رؤسای هیأت‌مدیره در دوره‌های مختلف نبوده‌ام و نیستم و معتقدم رؤسا و اعضای محترم هیأت‌مدیره آنچه در توان داشته‌اند به نحوی شایسته انجام داده‌اند. حال چرا همکار و دوست گرامی

بنده چنین قضاوت کرده‌اند نمی‌دانم. آیا همه شرکت‌کنندگان همایش اتحادیه با عقیده ایشان موافق بودند و یا وکالت به مشارالیه داده بودند تا از عبارت «همه می‌دانیم» استفاده کنند؟! نادیده گرفتن تمام اقدامات ۲۸ دوره هیأت‌مدیره، خصوصاً دوره‌هایی که مرحوم سیدهاشم وکیل ریاست هیأت‌مدیره و مرحوم محمود سرشار نیابت آن را به عهده داشتند و چهار دوره‌ای که مرحوم جلالی‌نائینی و دیگران خدمتگزاران جامعه وکالت بودند، یا خدمات و اقدامات مرحوم داور که در سال ۱۳۰۹ به همت او و مرحوم داود پیرنیا و پیش‌کسوتان وکالت مانند مرحوم سیدهاشم وکیل و دیگران، کانون وکلای دادگستری شکل قانونی پیدا کرد، و مقایسه آنان با اقدامات شادروان بهمن کشاورز، که فقط سه سال در رأس هیأت‌مدیره بودند و رسالت خود را در راه استقلال کانون و وکیل، به خوبی و نیکی به انجام رساندند، هیچ از منزلت آنان نمی‌کاهد و به شأن و منزلت دیگری نیز نمی‌افزاید. برای آگاهی آقای انوری‌زاده و همکاران عزیز، به‌ویژه وکلای جوان، عرض می‌کنم که مرحوم محمود سرشار که نام او زینت‌بخش کتابخانه کانون است و خود مؤسس آن بود و کتاب‌هایش را به آن ارزانی داشت، به چند زبان زنده دنیا (فارسی، عربی، انگلیسی، آلمانی، فرانسوی و ایتالیایی) آشنایی کامل داشت، می‌خواند، می‌نوشت و صحبت می‌کرد و سال‌ها نیز نایب‌رئیس کانون بین‌المللی وکلای دادگستری (IBA) بود و بعد از فوت آن مرحوم در سال ۱۳۴۳ رئیس وقت کانون بین‌المللی وکلای دادگستری، آقای جرالد مک‌هون، شرح زیر را برای مرحوم سیدهاشم وکیل ارسال کردند:

آقای وکیل عزیز، نامه مورخ بیستم آوریل شما با تأثرات عمیقی به ما رسید. مدت مدیدی است که به نظرات و کمک‌های مرحوم سرشار متکی بوده‌ایم و اکنون فوق‌العاده مشکل است که تصور کرد که او از میان ما رفته و دیگر هرگز نخواهیم توانست در جلسات کانون بین‌المللی با او هم‌نشین باشیم.

خواهشمند است همدردی صمیمانه نمایندگان و اعضای کانون بین‌المللی وکلا را به خانواده آن مرحوم و همکاران و دوستان او در کانون وکلای ایران ابراز کنید. چون آن مرحوم سال‌ها به‌عنوان معاون جناب‌عالی عهده‌دار خدماتی بوده، شما بهتر می‌دانید چقدر نقیصه نبودن او در این مؤسسه، که سال‌ها از خدمات او، هم به‌عنوان یک عضو عادی و هم به‌عنوان عضو شورای عالی، برخوردار بوده مؤثر است. کانون وکلای ایران می‌تواند از خدماتی که او در تمام دنیا از طرف کانون عهده‌دار بوده افتخار کند.^۱

مرحوم سرشار در سوم تیرماه ۱۳۳۵ برای شرکت در چندین کنفرانس جهانی راهی اروپا شد و گزارشی جامع از کنفرانس‌هایی که در آن‌ها شرکت کرده بود، در جلسه مورخ پانزدهم آذرماه ۱۳۳۵ هیأت‌مدیره ارائه کرد و هیأت‌مدیره از ایشان تقدیر کرد. از نظر سپاس‌داری و اطلاع خوانندگان بخشی از مجله کانون که دربردارنده نام کنفرانس‌هایی است که ایشان در آن شرکت کرده‌اند درج می‌شود.



گزارش آقای محمود سرشار رئیس نمایندگان کانون وکلاء دادگستری در کنفرانس اتحادیه بین‌المللی وکلاء دادگستری در پاریس و کنفرانس مشاغل قضائی انجمن بین‌المللی کانونهای وکلاء جهانی در اسلو که در جلسه ۳۵/۹/۱۵ هیأت مدیره قرائت و مورد تقدیر واقع شد از نظر قدردانی و اطلاع خوانندگان محترم عین گزارش با تصویر ایشان در مجله درج و منعکس میشود
رئیس کانون وکلاء دادگستری
هاشم وکیل